

مکاتبات تاریخی شاه اسماعیل دقایق دیپلماتیک

نسیم خلیلی

یکشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۵ - - ۷ می ۲۰۰۶ روزنامه شرق

نکته

از نکات قابل توجهی که با خواندن نامه ها دستگیر مخاطب می شود، علاقه و توجه مخصوص شاه صفوی به استفاده از آیات و احادیث در نامه نگاری ها است به طوری که در هر چند سطر، به عبارتی عربی برمی خوریم که مولف در پاورقی نام سوره و آیه مربوطه را درج کرده است. از دیگر سو شاه برای زینت بخشیدن به نامه ها، از اشعار نیز مدد گرفته است. شاید این علاقه بوده است که باعث شده شاه خود به شعر و شاعری روی آورد و با تخلص خطایی، اشعاری از خود به یادگار نهد.

در آن سال های نسبتاً دور که مقالاتی از يك مورخ نواندیش به نام عبدالحسین نوایی در مجلات اطلاعات ماهیانه و یادگار، درباره لزوم و ضرورت مطالعات سندشناسی تاریخی، چاپ می شد، هنوز کسی به درستی و شایستگی تام، به عمق اهمیت این تفکر نواندیشانه محققانه و تاثیر شگرفش بر گستره ای به نام تاریخ پی نبرده بود. باید زمان می گذشت تا محققان این عرصه، به باورنواندیشانه پالایش تاریخ از روزنه سندخوانی و سندشناسی پی ببرند؛ دکتر نوایی خود در این زمینه می نویسد: «اندیشه جمع آوری مدارک و اسناد مکتوب تاریخی از دیرباز مرا به خود مشغول می داشت و به سابقه همین شور و شوق، از بیست و اندی سال پیش بدین کار همت گماشتم و نخستین قدم من در این راه انتشار مقالاتی بود در مجلات اطلاعات ماهیانه و یادگار براساس نامه های تاریخی به منظور نشان دادن ارزش تاریخی آن اسناد.» (رک شاه اسماعیل صفوی _ مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشت های تفصیلی _ به اهتمام دکتر عبدالحسین نوایی _ انتشارات ارغوان _ چاپ دوم - تهران - ۱۳۶۸ - ص ۹) این گفتاری است از محققى که سالیان درازی از عمر خود را در راه پر ارزش تدوین و بررسی اسناد و متون منحصر به فرد تاریخی گذرانده است.

دکتر نوایی در سال ۱۳۰۲ متولد شد و بعد ها موفق شد با طی مراتبی، در رشته ادبیات به اخذ درجه دکترا نایل شود. او ۶۲ سال در زمینه های تاریخی در عرصه کتاب و مطبوعات، به نویسندگی و تحقیق پرداخت و موفق شد آثاری تالیف کند چنان نوآورانه و برجسته که جوایز کتاب سال را پی در پی از آن خود کردند.

نخستین کتاب دکتر نوایی در سال ۱۳۲۴ به چاپ رسید و مهمترین آثارش، تاریخ ایران و جهان، کریم خان زند، فتنه باب، فتح تهران در دولت های ایران از مشروطه تا اولتیماتوم و نیز تصحیح آثاری چون احسن التواریخ حسن روملو، حدیقه الشعرا، مرآت البلدان و تاریخ گزیده بوده است. اما آنچه به او برجستگی و امتیاز ویژه ای می بخشید، تلاشش در عرصه خطیر سندشناسی بود. یعنی همان چیزی که در حوزه دانش تاریخ، به مثابه حلقه مفقوده ای بود که جست و جویش از ضرورت ها بوده و هست.

• حلقه مفقوده ای به نام اسناد تاریخی

گاهی لابه لای انبوهه کتاب های تاریخی بازمانده از دیربگی زمان، جست و جوی کتابی که آبستن واقعیت است، به جست و جوی کیمیا می ماند یا کند و کاوی ممتد در دل خستگی بی پاسخ زمانه ای رها شده در باد و نفرین و فراموشی؛ جست و جویی که در پی گوهری ناب و نایاب مردد می ماند.

کند و کاو در دل تاریخ و مرده ریگش شاید نیازمند نگاهی عمیق تر به اندک بازمانده هایی باشد که اغلب از دخل و تصرف مورخان مصون نمانده اند. آنچه به نام منابع مکتوب تاریخی به دست ما رسیده است، اغلب تندیس هایی است به دروغ و گزافه تراش خورده و فریبنده و غیرقابل اعتماد؛ هنر مورخ امروزی شاید کشف پرتوهایی از واقعیت باشد از

پس معمایی به نام تاریخ و در پیچاپیچ این تکاپو، منابع اصیل تری همچون نامه ها و اسناد و سنگ نبشته ها و مهر ها و کاشیکاری ها و سکه ها، بیشتر به کار محقق خواهد آمد. به تعبیر رساتر، جمع آوری و تدوین اسناد و به ویژه مکاتبات تاریخی بازمانده از چهره های نامدار تاریخ، می تواند گام بلند و موثری برای دستیابی به همین هدف خطیر باشد. آنچه در دل این مکاتبات و فرمان ها نهفته است، قصد و نیت واقعی نگارندگان خود را برملا خواهد کرد و مجوزی خواهد بود برای بررسی سنجیده تر آنچه از دل کتاب ها و منابع دست خورده به دست آمده است. امروزه باور رد نظریات ولو محکم نهفته در کتاب های تاریخی، به باوری همه گیر و پذیرفتنی تبدیل شده است. توانایی نقد و سنجش هر دیدگاهی از نظر تاریخی، می تواند واگویی ها و واقعیت ها را از هم جدا کند و پرده از روی ابهام ها بردارد. لزوم تجدید نظر در تاریخ و برداشت های دگم اندیشانه تاریخی از همین جا ریشه می گیرد؛ اینجاست که قهرمان زدگی ها از صفحه خط خورده تاریخ زدوده می شود و آنچه بیشتر نه به عنوان یافته های علمی تاریخی که به منزله وحی منزل در ذهن و جان مورخان جا افتاده بودند، تبدیل به نظریاتی متزلزل خواهند شد که نیازمند بازنگری و موشکافی اند؛ وقتی می خواهی از هر آنچه به تاریخ دوخته شده است، کنده شوی و به واقعیتی ناب دست یابی، آنجاست که باید تردید کنی و بیندیشی و رها شوی.

واقعیت این است که آفت دخل و تصرف و حب و بغض در تاریخ نگاری، به دوره خاصی منحصر نمی شود و بختك شومی است که بر گستره تاریخ سایه افکنده است: «آنچه از منابع یونانی و سریانی و رومی و اروپایی در زمینه تاریخ ایران پیش از اسلام و آنچه از منابع عربی و ترکی و اروپایی درباره تاریخ بعد از اسلام نوشته شده پر است از اغراض سیاسی و اجتماعی و مذهبی و آنچه ایرانیان خود در این زمینه پرداخته اند پر است از افسانه ها و قصه پردازی ها. بگذریم از این که چگونه مولفین ایرانی به مناسبت اقتضای زمان و رعایت تمایلات ارباب بی مروت دنیا و ترس از مصادر قدرت و طمع به کیسه صاحبان زور و زر حقایق را وارونه جلوه داده و سفاکی ها و

سنگدلی ها و تاخت و تاز های موحش را عنوان مصلحت و سیاست بخشیده و به استدلال «الملک عقیم» یا «ارباب الدول ملهمون» فجایع و رذایل اعمال از کشتار ها و کله منار ساختن ها و قتل ها و غارت ها را در زرورق عبارات به صورت «فتوحات یا حسنات اعمال» بر صفحه تاریخ ثبت کرده اند و بدبختانه صفحات کتب تاریخ ما پر است از این حق کشی ها و ظالم پروری ها.» (رک همان _ ص ۸)

دکتر نوایی با این اشاره، در واقع به ضرورت چنین کالبدشکافی های محققانه ای در دل سردرگمی تاریخ اشاره کرده است و کتابی ارزنده را به جامعه محققین مشتاق تاریخ ایران تقدیم داشته است. کتابی که مشحون از ظرایف تاریخی بی بدیلی است که واقعیت های تازه ای را آشکار می سازد. توجه به اسناد برای دستیابی به کنه تاریخ و لزوم این پالودن های تاریخی، از جمله دغدغه های تکان دهنده ای است که روح نگارنده را درگیر می کند، در ابتدای این مقاله به بارقه های این دغدغه در کلاف ذهن محقق برجسته در این عرصه اشاره کردیم.

• نامه نگاری های صوفی جوان و تفصیلاتش

کتاب مکاتبات تاریخی شاه اسماعیل، در واقع تلاشی است در همین عرصه؛ دکتر نوایی در کسوت مولف این اثر، موفق شده است علاوه بر نقل و بیان مجموعه ای از نامه ها و اسناد تاریخی، با نگاهی محققانه، لایه هایی از تاریخ عصر صفویه را بر خواننده خویش مکشوف دارد. موضوع و مناسبت هر کدام از این نامه ها، انگیزه ای بوده است برای نویسنده که مجموعه ای از دانسته های خود را در اختیار خواننده قرار دهد تا بررسی مندرجات آن نامه یا فرمان آسان تر صورت پذیرد و همراه شود با حجمی نسبتاً قابل توجه از چشم انداز های تاریخی درخور. از ظرایف کار محققانه دکتر نوایی، در این کتاب این است که او می کوشد تصویری از سند را نیز در ذهن مخاطب ترسیم کند، با این ابتکار است که مخاطب انگار خود به جست و جوی سند شتافته و آن را از نظر گذرانده است؛ از جمله درباره مشخصات نخستین سند می نویسد: «این فرمان بر کاغذ خان بالیغ یکپارچه ای است به طول دو متر و به تعلیق اعلی نوشته شده است و من اصل آن را در خاندان جابری به اصفهان دیدم.» (همان _ ص ۱۴) و یا درباره صورت ظاهری فرمانی از شاه اسماعیل در صفحه ۱۰۶ کتاب، چنین می نویسد: «این نامه به خط نستعلیق شیوا، قدری با طلا و قدری با مرکب نوشته شده و سجع مهر صوفی کامل بر این فرمان چنین است: بود مهر علی و آل او چون جان مرا در بر / غلام شاه مردان است اسماعیل بن حیدر»

از سوی دیگر اهمیت هر سند نیز از سوی مولف مشخص و برجسته شده است؛ از جمله در اهمیت نخستین سند

چنین می خوانیم: «چون از دوران آق قویونلو کمتر سندی باقی مانده و فرمان مذکور از لحاظ نمایاندن طرز صدور و نحوه انشاء بسیار جالب بود به ذکر آن مبادرت رفت ولی علت اصلی از انتخاب این سند، اسامی و تعداد مالیات ها و عوارضی بود که مردم می پرداختند و در این نامه به تفصیل ذکر شده است...» (همان _ ص ۱۴)

از سوی دیگر مولف توانسته است در چند صفحه و به مناسبت آغاز نامه نگاری های صوفی جوان، شاه اسماعیل، فراز و نشیب زندگی او را ترسیم کند. از سلطان حیدر بگوید و ازدواجش با مارتای رومی که در تاریخ ایران به عنوان عالم شاه یا علم شاه بیگم یا حلیمه بیگی آغا معروف می شود، از رفتن به لاهیجان و حمایت های کار کیا میرزا علی گیلانی، از خیزش مغروران صوفی جوان، جنگ چالدران و شکست شاه نوحاسته و پیامد های برخاسته از این ناکامی در اندیشه قزلباشان و هواداران طریقتی دیرپا: «پس از شکست قاطع چالدران دیگر قدرت معنوی و اراده نیرومند خود را در غلبه بر دشمنان از دست داد. چه از قراین بر می آید که او خود را صاحب رسالتی از جانب حق در ترویج و تثبیت مذهب شیعه اثنی عشری می دانست و صاحب دعوتی هم در این زمینه بوده و اطرافیانش درباره وی سخن ها می گفتند و از

طریق پیمودن مراتب صوفی گری و تایید من عندالله او را دارای نیروی خدایی و شکست ناپذیر می دانستند و فتوحات پی در پی وی و غلبه بر دشمنانی که تعداد سپاهشان چند برابر سپاه اسماعیل بود این اندیشه را تقویت کرده بود تا اینکه واقعه چالدران به این اندیشه های دور و دراز خاتمه داد.» (رك همان _ ص ۳۸)

و به این ترتیب است که مخاطب با چکیده ای از دانستنی های اساسی درباره حیات اسماعیل جوان که در واقع موضوع اصلی کتاب محسوب می شود، روبه رو خواهد شد. این دانسته ها در فهم و هضم بریده های مکاتبات شاه، بی تردید موثر خواهد بود.

از نکات قابل توجهی که با خواندن نامه ها دستگیر مخاطب می شود، علاقه و توجه مخصوص شاه صفوی به استفاده از آیات و احادیث در نامه نگاری ها است به طوری که در هر چند سطر، به عبارتی عربی برمی خوریم که مولف در پاورقی نام سوره و آیه مربوطه را درج کرده است. از دیگر سو شاه برای زینت بخشیدن به نامه ها، از اشعار نیز مدد گرفته است. شاید این علاقه بوده است که باعث شده شاه خود به شعر و شاعری روی آورد و با تخلص خطایی، اشعاری از خود به یادگار نهد.

جالب است که شاه آنجا که به اقتضای منصب خود ناچار است از امور دنیوی سخن بگوید، با حالتی از عذاب وجدان، دلایل و ضرورت های عمل خود را چنین بر می شمارد: «یعلم الله که مقصد اصلی و غرض کلی از ارتکاب امور فانیه دنیوی و تمشیت احکام صوری غیر اشاعت احکام شیعه طاهره و اذاعت آثار فرقه ناجیه که تا غایت انوار و اسرار اصول و فروع آن در حجاب ظلام ظلم مخالفان دین و دولت و معاندان ملك و ملت مخفی و منطوی بود نبوده و نیست والا همت بلند صفوی انتما و نهمت ارجمن مصطفوی اعتلا که ارثا و جبله از تعلق امور دنیه دنیا و جزئیه سلطنت این سرا تنفر و ابا دارد، ارفع و اعلی آن است که به زخارف فانیه خسیسه و حطام ردیه خبیثه التفات نماید.» (رك همان _ ص ۴۹)

با تمسك به همین احساس غرورآمیز مذهبی و فرقه ای است که شاه در نامه های خود به سلاطین عثمانی به کرات از عظمت و برتری طایفه و طریقت خود سخن می گوید: «بر رای عالم آرا پوشیده نیست که از قدیم الایام الی الان به خاندان ما نسبت ارادت و اعتقاد و سمت محبت و اعتضاد اهالی ممالک خصوصاً اهل دیار روم ثابت و محقق است و همواره از آن جا ارباب طلب و سلوک متوجه این خاندان هدایت آشیان و حظایر مقدسه مشایخ جنت مکان قدس الله تعالی ارواحهم می شده اند و هر کس به قدر قابلیت فطرت خود به مقصود معنوی و مطلوب اخروی فائز می گشته اند...» (رك همان _ ص ۵۵)

شاه این نامه را در پاسخ به شکایات شاه عثمانی از خودسری های پیروان فرقه صفوی در آناتولی داده است.

• یکی به نعل و یکی به میخ

در میان انبوهه نامه های بازمانده از شاه جوان، تنوع جالب توجهی وجود دارد؛ صوفی جوان با لحنی کوبنده و در عین حال مودبانه و شاهانه با سلاطین عثمانی سخن می گوید و با دیگر دشمنانی که حریم حرمت او را پاس نمی دارند و برای فرقه ناجیه اعتقادی او و قزلباشان همراه و هم رای اش، ارزشی قایل نیستند، با لحنی گزنده و تهدیدآمیز روبه رو می شود؛ نامه های شاه اسماعیل به شیک خان ازبک به این لحاظ، از جذابیت و اهمیت خاصی برخوردار است؛ او برای واهمه ایجاد کردن در ذهن شیک، از عباراتی مدد می گیرد که گویای توسل و اتکای او به نیروی غیبی و ماورای انسانی است: «یا علی مدد... چون خبر (خودسری های ازبکان در خراسان) به ما رسید، به خاطر ما آمد که بخت از

او برگشت. با آل علی هر که در افتاد برافتاد. پس بعون الله تعالی، به فتح و فیروزی سوار شدیم... ز مشرق تا به مغرب گر امام است / علی و آل او ما تمام است... دست در دامن حیدر زن و اندیشه مکن / هر که با نوح نشیند چه از غم طوفانش» (رک همان _ ص ۷۲) با این همه جالب است که شییک تا آن هنگام که صوفی جوان از کاسه سرش قدحی ساخت و می نوشید، باور نمی کرد شاه نوحاسته در اجرای نیاتش چنان جدی باشد و به دلیل همین عدم باور بود که «در نامه های خود رعایت ادب نمی کرد و تند می نوشت.» (رک همان _ ص ۷۵) و شاه ایرانی را اسماعیل داروغه، خطاب می کرد.

از دیگر مکاتبات جالب توجه شاه اسماعیل، که در همین طیف رنگارنگ می گنجد و دارای لحنی صمیمانه و مودت آمیز است، نامه هایی است که به منظور تحکیم اتحاد میان او و قاضو غوری، آخرین فرد از ممالیک برحی مصر، رد و بدل می شده است. این همه تلاش های مردی است که در سپیده دم قدرت مداری سلاله خویش می کوشد یکی به نعل و یکی به میخ بکوبد.

• صوفی بچه

سلطان سلیم، از جمله شاهان سنی رادیکالی است که با به قدرت رسیدن، می کوشد شاه اسماعیل و سلسله تنومندش را از برابر خویش بزدايد. او در نامه هایی که برای طلب همکاری به سران دیگر سرزمین ها می نویسد و از جمله در نامه ای به عبیدخان ازبک، از شاه اسماعیل به عنوان «صوفی بچه لئیم ناپاک ائیم ذمیم سفاک» نام می برد که «با طایفه گمراه» و «فرقه ضاله سرنگون»، «به ایقاد نار تعدی دود از خانمان ها بر آورده و به هر ناحیه که قدم نهاد کره خاک آن ناحیه را گوی صولجان فتنه و فساد گردانید تا از صف نعال فرمانبری به صدر صفه فرماندهی ترقی یافت...» (رک همان _ ص ۱۱۸) او با چنین مقدماتی می خواهد به نتیجه جالب توجهی برسد که نشانگر هراس او از قدرت نمایی روزافزون صوفی کامل است: «هر مومن موحد را بغض فی الله به آن طایفه گم راه امری است مهم و غرضی است ملام.» (رک همان _ ص ۱۲۰) بعد ها همین سلطان سلیم بود که با مرگ آخرین بازماندگان سلطنتش که به ایران پناهنده شده بودند، قدرتی بی بدیل پیدا کرد و انگیزه ای یافت برای در هم کوبیدن اقتدار شاه اسماعیل؛ او ابتدا در نامه هایی شاه اسماعیل را از این دشمنی و نفرت آگاه کرد و سپس جنگی تاریخی و سرنوشت ساز، به نام چالدران را کلید زد. البته او پیش از این با نشانه هایی، زنگ خطر را به صدا در آورده بود: «سلیم نخست به قلع و قمع شیعیان ترک و مریدان شاه قلی بابا تکلو (به اصطلاح ترکان شیطان قلی) فرمان داد. چهل هزار زن و مرد و برنا و کودک و پیر در این واقعه کشته شدند یا گوش و بینی خود را از دست دادند یا به سیاهچال ها افتادند. آن گاه از شیخ الاسلام برای جنگ با شاه اسماعیل فتوا خواست و شیخ الاسلام نیز خون و مال و زن و فرزند شیعیان ایران را حلال شمرد و سلطان خشمگین ترک را که از تجاوز شاه اسماعیل به خاک آناتولی خشمگین تر شده بود به جنگ با ایرانیان تحریض و ترغیب کرد.» (رک همان _ ص ۱۳۶) او به پشتوانه همین امور بود که چنان تهوری پیدا کرد که در نامه ای نوشت: «به سرینجه قوت کام کاری دست و بازوی ستم کاریت بر کنیم و از سر قدرت سروری سودای صفدری از سر سراسیمه ات به در کنیم. مفاسد شر و شورت از سر عجزه و مسکینان برداریم و از آن آتش که در خانمان ها زده ای دود از دودمانت برآریم.» (رک همان _ ص ۱۴۵) و در نامه ای دیگر به شکلی هشدارآمیز، تهدید می کند که «... باید که پنبه غفلت از گوش هوش بیرون کرده کفن در دوش گرفته مهیا باشید که به موجب انما توعدون لات عسکر ظفر مخصوص کانهم بنیان مرصوص... دمار از روزگارت برآرند و در آن دیار دیار نگذارند...» (رک همان _ ص ۱۶۰)

• سیل فتح نامه ها

بعد از پیروزی در جنگ چالدران نیز، سلطان سلیم مغرورانه به همه شاهان و فرمانروایان اطراف و اکناف، نامه هایی و یا بهتر است گفته شود فتح نامه هایی می فرستد و ابراز شادمانی و غرور می کند. از جمله به شاه رستم، حاکم لرستان، مراد آق قویونلو، اعیان تبریز، سلیمان، پسر و جانشینش، امرای مشرق و قبایل کرد و غیره در این میان یکی از شعرای ایرانی نیز چاپلوسانه سلطان سلیم و پیروزی اش را در دو قصیده، یکی به فارسی و دیگری به ترکی، می ستاید. این شاعر ایرانی که ابتدا با نام خواجه اصفهانی معرفی می شود، کسی نیست جز فضل الله بن روزبهان خنجی الاصل الشیرازی الشافعی الصوفی، معروف به خواجه ملا که ادوارد براون، شاید به همین مناسبت، او را «ایرانی دشمن وطن خویش» می نامد. او همان کسی

است که سال ها قبل با دیدن کتابی به نام «نهج الحق» که يك شیعی برجسته به نام ابن المطهر حلی آن را نوشته بود، تصمیم گرفت رديه ای بر این کتاب بنگارد و افکار و اعتقادات ضدشیعی خویش را بیشتر بنمایاند. او در مقدمه یکی

از کتاب های خود، روی کار آمدن شیعیان را چنان تلخ و تکان دهنده معرفی می کند که او را وادار به تبعیدی اجباری ساخته است: «... گروهی از بدعت گزاران این سرزمین را اشغال کرده اند و نظریات رافضی و فرقه گرایبی را توسعه داده اند. این مسئله باعث گردید که من سرزمین پدری خود را ترك گویم و پس از وداع از عزیزان و یاران راه تبعید در پیش گیرم. از این رو شهر خود اصفهان را پشت سر گذاشتم و به کاشان آمدم و در آنجا ساکن شدم... یعنی جایی که نظریات اهل سنه و جماعه گسترده و از فرقه گرایبی و الحاد خبری نیست.» (رك شوشتری _ احقاق _ جلد ۱ _ ص ۲۵ و ۲۶ / نقل از میشل مزاولی _ پیدایش دولت صفوی _ ص ۸۱)

جالب است که با غمگینی ناگهانی شاه اسماعیل در اثر شکست و با این که سلطان سلیم همواره با لحنی گزنده و بی ادبانه، صوفی را مورد خطاب قرار می داد؛ او در نامه ای که بعد از این شکست تاریخی به سلیم نگاشته است، رعایت ادب و احترام را فراموش نکرده و در شش سطر به نعت سلطان پرداخته است. از سوی دیگر سلطان سلیم با باد غروری در گلو، نامه ای هم به قاضی مصری می نویسد تا با بیان پیروزی خود، او را از اتحاد با صفویه ای که هنوز هم خطرناک می نمایاند، بازدارد. و حتی در همین نامه از تصمیمی دوباره برای عزیمت به ایران سخن می گوید. قاضی نیز در پاسخی ظریف، سلطان سلیم را از خطر چنین تصمیمی آگاه می کند و تمایلات پنهان خود را به خاندان صفویه و اعتقادات شیعی آنها، شکلی ظریف آشکار می سازد: «در این نامه دقایق دیپلماتیک رعایت شده و قاضی در زیر پرده کلمات نرم و دوستانه و مصلحت اندیشانه تصمیم خود را در جلوگیری از انهدام قطعی دولت قزلباش اعلام داشته و تلویحاً به سلطان ترك گوشزد کرده است که اگر او به جنگ با شاه اسماعیل عازم شود، وی با سپاه به شام خواهد آمد و معنای سیاسی این مطلب این است که وی به متصرفات سلطان ترك حمله می کند و خط مراجعت او را قطع می کند.» (رك همان - ص ۲۶۰)

شاید به عنوان حسن ختام فقط باید باز بر اهمیت و ارزش چنین کتاب هایی صحنه نهاد و اذعان داشت که در مجموع این کتاب با سندیت قاطعی که دارد، پژوهنده تاریخ را با پیچیدگی های روابط سیاسی در گذشته ای نه چندان دور، آشنا می سازد.